

واژه « قشقای » در اسناد صفویه

لطف‌اله احتشامی

ایل شناسان، معتقدند که واژه‌ی «قشقای» از دوران کریم خان زند در نوشته‌ها و اسناد دیوانی به کار رفته است. ولی اسنادی که به شرح آنها می‌پردازیم، این ادعا را نفی می‌کند و بیانگر آن است که واژه‌ی «قشقای» سابقه‌ی طولانی در اسناد صفویه دارد و گمان می‌رود که پژوهشگران ایلی، تاکنون در تحقیقات خود، به اسناد جدیدی که آنان را متقاعد کند، دست نیافته‌اند و فقط به واژه‌ی «قشقه» در سند دیوانی مورخه ۱۱۲۸ ق. که میرزا محمد حسین مستوفی، آن را در تاریخ ۱۲۱۵ ق. استنتاج و ضبط نموده است. بسنده کرده‌اند و لذا آنان، معتقدند که در روزگار صفویه، ایلی که «قشقه‌نام» داشته، ساکن فارس بوده است، و در مورد ایل قشقای، پارا فراتر از این نگذاشته‌اند.

محقق فاضل، سیروس برهام، در کتاب خود نوشته است: میدانی ایل قشقای، امری است نسبتاً متاخر، که در اواخر روزگار صفویه نحقق یافته. پس از آن، ایلی که «قشقای» خوانده شود، وجود نداشته است. همین است که علی‌رغم بود و باش دست کم ششصد ساله طولیقی از قشقایها در فارس، قدیمی‌ترین سند تاریخی واجیع به آنان، از زمان کریم خان زند فراتر نرفته است و نخستین بار که لفظ قشقای، در تاریخ ضبط شده، در سده‌ی یازدهم هجری است، آن هم در شعر و نه در سنون تاریخی؛ و پیش از آن، در هیچ کجا و در هیچ کتاب و نوشته‌ای، از «قشقای» یاد نشده است. (۱) و اولین ضبط، در تذکره‌ای است به نام تذکره‌ی نصر آبادی که در نیمه‌ی اول سده‌ی یازدهم تألیف شده است. در آنجا، شاعر اصفهانی، از «بار» خیک بتر خلع و قشقای «یاد می‌کند. (۲) ولی باید گفت که: نخستین متن مکتوب بازمانده به زبان قشقای، ظاهر آکثیه گرانگ «تان یوقوق ITAN yugug است، که سه متر و هفتاد پنج سائیمتر طول دارد و در دوره بلاش اشکانی پدید آمده است. این کتیبه را در سال ۱۸۸۹ م. رادلف Radloff آلمانی کشف و فرانت کرده است.

نگارنده، در پژوهشهای عشایری در قلعه‌ی (۳) آبا و اجدادی خود، به اسنادی دست یافته که در تمام آنها، واژه‌ی «قشقای» کتابت شده و موید آنست که واژه‌ی «قشقای» حداقل از دوران صفویه به شکل فعلی نوشته می‌شده و ایلی به نام «ایل عبدالجلیلی قشقای» وجود داشته و فرمان مورخ ۱۰۱۹ ق. شاه عباس، شاهد این مدعاست. لذا می‌بر آنست که در این مقاله کوتاه، به معرفی نمونه‌هایی از آن اسناد (فرمانها، اسناد ملکی، قبایله‌های ازدواج و سنگ‌نوشته‌ها) در دوره صفویه و دوره‌های بعد از آن، به ترتیب تاریخ سند پرداخته شود.

فرمانها:

سند شماره ۱۵

بنده شاه ولایت، عباس

۹۹۹

فرمان همایون شد آنکه چون در مولا کلا خدا بوشاد (۴) و جمعی از عجزه و رعایای احشام عبدالجلیلی قشقای به عرض رسانیدند که جماعت مذکوره ایل عبدالجلیلی، شریک جمع بنیجه ایشانند و مترجعات ایشان در تحت احشام عبدالجلیلی اواب جمع است و برلیغ مهر

اولاد	اولاد	اولاد	اولاد
حسن علی	حیدر میر حاجی	خضر شیر گز و محمد باقر	اسماعیل محمد گرو احمد

اولاد
حیدر حاجی

اولاد
امرانله

اولاد
اسماعیل و شاه ولی کینجا

اولاد
اسماعیل محمد حسین

اولاد
امریری

اولاد
سلطان کمانگر و حیدر علی

اولاد
اسماعیل صبا

اولاد

در این باب در دست دارند و مرتضی قلی، ولد ملک بیگ، قشقایی، به خلاف حکم و حساب، مانع و مراجع شده، نمی گذارد که بارعایای عبدالجلیلی دست یکی داشته، به دستور رعایا و ترکان، از عهده مال و حقوق دیوانی خود از قرار واقع بیرون آیند و این معنی، خلاف حساب است. بشایر این مقرر فرمودیم که چون نتیجه جماعت مذکور، در نحت عبدالجلیلی ایوب جمع بوده باشد و کدخدایان عبدالجلیلی، در این باب سرخط و بریلغ مهر در دست داشته باشند، با سایر کدخدایان و رعایای عبدالجلیلی دست یکی داشته، هر یک از عهده سری واقعی خود به دستور سایر رعایا و شرکای بیرون آمده، ستم شریکی نمایند و سال به سال مترجعات خود را، به حواله کدخدایان عبدالجلیلی، از قرار حق و حساب و اصل نماید و به عذر بی حساب، موقوف نماند. مرتضی قلی مذکور، حسب المستور مقرر حالی به خلاف حکم و حساب مانع نشده گذارد هر جماعت مذکور، با سایر رعایای عبدالجلیلی دست یکی داشته، از عهده حقوق دیوانی خود بیرون آیند و از نمرود، که موجب مواخذه است، آمد و شد نمایند. به عهده بیوندان، از جماعت «قشقایی» که در این باب، نهایت امداد به تقدیم رساند و مجال تعدد بی حساب به احدی نداد و از جاده حق و حساب تجاوز ننموده، از شکایت رعایا محذر باشند. در این باب قدغن، حالی هر ساله حکم مجدد طلب نکند (۵)

تحریر شهر ذی حجه الحرام ۱۰۱۹ ق.

اسناد ملکی

سند شماره ۲

سند ملکی، که در آن آمده، بو بخیرید از وی، خانق، ولد عاشور قلی جماعت اصلانی قشقایی همگی و تمامت بیمدانگ از جمله شش دانگ مزرعه موسوم به عین قری (آئینه قری) ...
سنه ۱۰۱۳ ق. دوران شاه عباس اول

سند شماره ۳

سند ملکی، که در بخشی از آن آمده «غرض از عرض این مقال شرعی المنشاء و آمال، آن است که در بهترین وقتی از اوقات و شریف ترین ساعتی از ساعات، کمر علی کدخدا، ولد مرحمت پناه حاجی شاه قلی دذکی (۶) عن قوم «قشقایی» معروفاً بقر وخت ... به حاجی شاه منصور و هما «قشقایی» عبدالجلیلی، من القوم البایع المستوره و مومی علیه بخیریدند از وی، به عقد شرعی و بیع صریح ملی، همگی و تمامت و جملگی و قاطبت نیم دانگ آب و زمین از جمله شش دانگ از کل هفتاد و دو حبه، واقع در مزرعه علیجوق، عن توابع وردشت، فی اعمال سمیرم فارس، مشهوراً به تمن و قیمت مقرر معین مقبوض فی المجلس عقد الشایعه، به مبلغ هجده تومان تیریری مجدد شهروان مصروب مسکوک نصف مبلغ نه تومان رایج وقت نقره عباسیه (۷).
سنه ۱۱۰۵ ق. دوران شاه سلطان حسین صفری

سند شماره ۴

سند ملکی، که در آن آمده «کمر علی کدخدا، ابن مرحمت و غفران پناه حاجی شاه قلی کدخدای قشقایی معروفاً بولوصفه، بقر وخت ... به حاجی عباس قلی مشهوراً، ابن مرحمت و غفران مکان حاجی اولند (۸) من القیله المذکوره، و مشارالیه بخیرید از او، به عقدی صحیح شرعی و بیعی صریح ملی، همگی و تمامت نیم دانگ آب و زمین از جمله شش دانگ از کل هفتاد و دو حبه املاک مزرعه معینه موسوم به علیجوق، از توابع وردشت فی اعمال سمیرم فارس، مشهوراً کماذکر، محدود به حدود اربعه اولاً به جبل سورمنده و به جان خواجه و به شارع



سمیرم و کرویبه (کهرویه) او به فایزقلو مستغنی از حد و وصف و هما... به ثمن و قیامت مقرر معین معلوم گماید چند قدرهپ فی الوصف. مبلغ بیست تومان تیریزی شهروان جاری در معاملات، نصفه مبلغ ... یکصد هزار دینار تیریزی شهروان به سکه صاحب قرانی ...»

سنه ۱۱۰۵ ق. دوران شاه سلطان حسین صفوی»

قبایله‌های ازدواج:

سند شماره ۵

قبایله ازدواج، که در آن آمده شاهسوار کدخدای، ابن مرحوم حاجی برات قلی قشقای و قزقرخانسی ... (۸۹) سنه احدی و عشرون و ماهه بعد الف ۱۱۲۱ ق. دوران شاه سلطان حسین صفوی»

سند شماره ۶

سند ملکی که در بخشی از آن آمده است: بفروخت به بیع لازم جازم صحیح شرعی، به حضرت شفقت و مکرمت آثار عیسی کدخدای قشقای، ابن مرحمت و غفران پناه حاجی الحرمین شریفین حاجی علیدوست کدخدای قشقای ... بفروخت قاطبت سه حبه مقروضه از جمله نه حبه از کل هفتاد و دو حبه مزرعه ماشک، من محال چهار دانگه (۱۰) سردسیر فارس، که محدود می شود به جبل قلاتک و به رودخانه زردویله و به گردنه مروک و به املاک هونجان ...»

سنه ۱۱۲۵ ق. خسته و عشرون و ماهه الف، دوران شاه سلطان حسین صفوی»

سند شماره ۷

سند ملکی، که در آن آمده، موکیل و نایب شریعت و عصمت و خدایت پناه المسماء به سوگلو خانم، بنت مرحمت و غفران پناه حاجی الحرمین ... و رفعت آقا محمد نصیر، ابن مرحوم محمدباقر کدخدای قشقای و ... بفروخت و کاله به عیسی آقا، ابن مرحوم مغفور حاجی الحرمین شریفین حاجی علیدوست قشقای، قاطبت یک حبه و نیم مقروضی از کل هفتاد و دو حبه مزرعه ماشک، من محال چهار دانگه سردسیر فارس، به عنوان ازت پدزی (۹۱)»

سنه خسته و عشرون و ماهه بعد الف ۱۱۲۵ ق. دوران شاه سلطان حسین صفوی»

سند شماره ۸

سند ملکی، که در آن آمده: الحمدلله رب العالمین و الصلوة تسلیم علی محمد و آله الطاهرین، باعث بر تحریر این کلمات شرعی، آن است که اقدام نمودند رفعت پناه عبدالحمید، و عصمت پناهان یک آغا خانم و مسینه جان خانم، بنتان منتصب به عبدالغفار قشقای، بفروخت به بیع لازم اسلامی، بجناب رفعت و عزت پناهان و زبده الامتان و الاقران، آقا علیدوست و آقا محمد مومن، ابنان مرحوم مغفور میرور عیسی آقا قشقای و بیرامعلی و عبدالله، ابنان مرحوم توفیق آثار مشهدی فضل اله من القوم، و مشارایهما، بخرباند از ایشان به عقد صحیح شرعی، همگی و تمامت موازی دو حبه و نیم از کل مشاع آب و املاک از جمله شش حبه از کل هفتاد و دو حبه مزرعه بوزم دو مزارع «هونجان» من توابع کرویبه (کهرویه) با جمیع توابع و لواحق شرعیه ... به مبلغ ۸۵۰۰ دینار تیریزی قفسی مضروب مسکوک مبیعه شرعیه و معاهده صریحه علیه مشتمله بر صیغه ایجاب و قبول ... (۹۲)

غره شهر الرمضان مبارک سنه ۱۱۵۴ ق. دوره نادر شاه افشار»

سند شماره ۹

سند ملکی، که در آن آمده، حاضر شد عصمت و عفت خاتون آغا خانم، بنت مرحوم اله وردی کدخدای

قشقای و بفروخت به بیع صحیح شرعی، به علیدوست کلدخدا و محمد مومن کلدخدا، ولدان مرحوم المغفور عیسی کلدخدای قشقای، همگی و تمامت شش حبه آب و املاک از کل شش دانگ مزرعه گرگراه ... (۱۳) سنه ۱۱۶۳ ه. ق. دوران کریم خان زند.

سند شماره ۱۰

(۱۰-۱) خرید و فروش کنیز در ایل قشقای (۱۴)

باخت تحریر این کلمات شرعیه الدلالات، آن است که حاضر شد در صحت نفس و کمال عقل، عالیشان معلی مکان، یحیی یک، ابن مرحمت پناه شهیار آفاذره نوری، من جماعت قشقای، و بفروخت به مبیعه صحیحه شرعیه، به عالیشان معلی مکان، محمد جمعی یک، خلف مرحمت و خفران پناه جنت و رضوان آرامگاه محمد مهدی خان چوله سمیرم، و معظم ابنه نیز بخرد از وی، به عقد معتبر در شرع اتور، موازی یک نفر جاریه اسود اللون (= سیاه پوست) مریم نام، به ثمن مبلغ ده تومان تبریزی فقی فی نقد مبیعه صحیحه شرعیه و صحیغه ایجاب و قبول شرعین، و اکنون جاریه مذکور را از ید بایع مزبور اخراج و به ید تصرف مشتری سابق الذکر، قرار و استقرار نیز یافت ... سنه ۱۲۱۳ ه. ق. دوران قاجاریه.

(۱۰-۲) اجتناب از دواج

که در قسمتی از آن آمده، عقد واقع شد فیما بین عالیقدر و رفیع مقدار و مکرمت شعار، محمد باقر کلدخدا، خلف مرحمت و خفران پناه منصور کلدخدای هنرجانی لهونجان، و عصمت و عفت پناه الباقه الباکره الرشیده المخلده المکرمه، المسماه به «ماه نسا خاتم» بنت مرحمت مآب، محمد باقر یک قشقای دهقان. سنه ۱۲۳۱ ه. ق. دوران فعلی شاه قاجار.

سنگ نوشته ها:

سند شماره ۱۱

قدیس ترین سنگ قبر مربوط به قشقایها، در آبادی ای به نام «کرن» در منطقه ی وردشت سمیرم، بیلاق طایفه دره شوری پیدا شده است که بر روی آن سنگ قبر، تاریخ ۱۰۲۵ ق. حک شده، و مربوط به یکی از افراد تیره دذکی (۱۵) طایفه عمه قشقای می باشد و نشانگر آن است که افراد ایل قشقای، ۳۶۳ سال قبل، به فارس کوچیده اند. (۱۶)

سند شماره ۱۲

سنگ قبر دیگری به نام سنگ قبر حاج قوجعلی قشقای، متوفایه سال ۱۰۵۰ ق. است که در کنار امامزاده ی سید محمد کران، در چهار محال بختیاری قرار دارد. (۱۷)

سند شماره ۱۳

در قبرستان مزرعه ماشک هونجان، سنگ فبری وجود دارد که بر روی آن، نقر شده است: «کل سره الموت (۱۸) وفات مرحوم منوری بن باز علی قشقای، به تاریخ سه شهر رجب ۱۰۵۸ ق. (۱۹)

آنچه مذکور افتاد، نمونه ای از اسناد موجود دوران صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه بود که واژه ی «قشقای» در آنها، به کار رفته است و انتظار می رود مورد توجه محققان ایل قرار گیرد. لذا، واژه ی مذکور در اسناد دیوانی و نوشته های دوره صفویه، از اول حکومت شاه عباس (فرمان ۱۰۱۹ ق.) تا دوران حاضر، به شکل فعلی «قشقای» به



کار می‌رفته و می‌توان ریشه بابی واژه‌ی «قشقای» را، قبل از دوران صفویه و در دوران آق قویونلوها و قره قویونلوها جستجو کرد. بیشتر احتمال می‌رود که واژه‌ی «قشقای» تغییر شکل یافته‌ی واژه‌ی «قشقای» باشد که در اثر مرور زمان و لهجه‌های محلی و تحریف لفظ «قشقه‌ای» و «قشقای» پیدا شده باشد؛ به همان اندازه که تغییر و تبدیل «عمینی» به «امینی» و «چای» به «چی» صورت گرفته است. بنابراین، در مورد تغییر کلمه قشقای، که بار تولد (۲۰) نیز، منشأ لفظ قشقای را به آن نسبت داده است. باید گفت که این واژه، در باکوری قفقاز هوز وجود دارد. در اینجا، باید به نام خانوادگی «پروفور میرعلی قشقای» استاد دانشگاه باکو در قفقاز، و به نام خانوادگی آقای وحسن قشقای، نماینده ریاضت کریم در مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹ تن)، اشاره کرد که هر دو واژه، می‌تواند ریشه واژه قشقای به حساب آید.

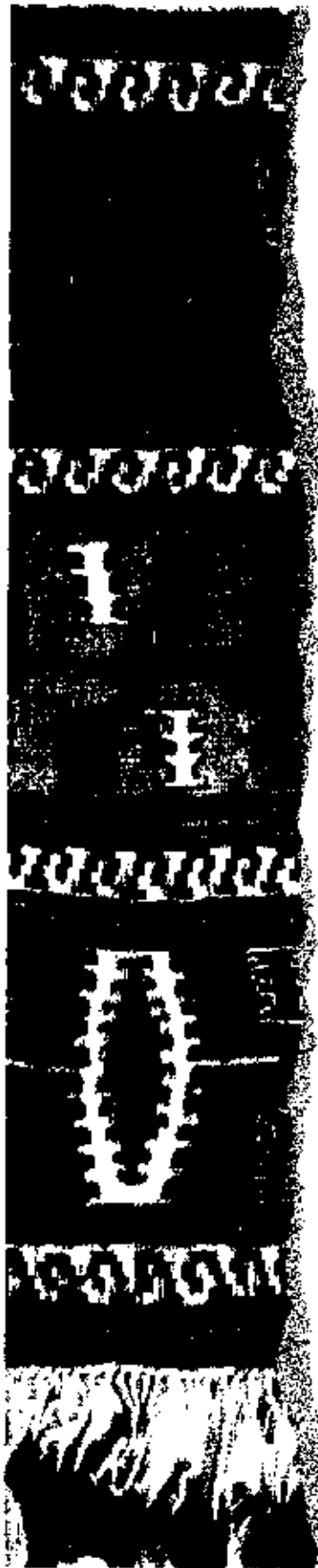
مرحومه منیرآلده‌له پیرنیا، در تصحیح نواریخ کامل نژادهای ایرانی، آورده است: ایل قشقای، از ایلات قفقاز است که هنوز هم قریب بیست هزار خانوار در دربند قفقاز، به نام «کشکائی» موجود و ساکن می‌باشد؛ حتی در یک قسمت از کوه و کمر دربند قفقاز، به لفظ ترکی حجازی شده که ترجمه آن چنین است: «در آنجا می‌نشستند ایلات کشکائی» (۲۱). مشیرالدوله، خوالین قشقای را، از نسل و نژاد اوزون حسن آق قویونلو معرفی می‌کند که در زمان شاه عباس یا شاه طهماسب، از اردبیل به طرف اصفهان مهاجرت کرده‌اند. بی‌ریزیرینگ (Pionering) (۲۲) در مورد تغییر مکان ترکان قشقای، نوشته است: آنها، در سده‌های پنجم و ششم، در پی هجوم غزنویان و سلجوقیان، از آسیای مرکزی به خاورمیانه و ایران مهاجرت کردند. که با توجه به اسناد یاد شده، باید واژه‌های قشقای را در دوران آق قویونلوها و قره قویونلوها جستجو کرد. چون در سال ۸۱۳ ق. ۱۴۰۹ م.، تصرفات جلاپریان اذربایجان به دست قره قویونلوها افتاد و حکومت اوزن حسن آق قویونلو، از سال ۸۷۲ ق. ۱۴۶۷ م. شروع شد. تصرفات اوزن حسن، در سال ۸۷۳ ق.، از خراسان و خلیج فارس در شرق و جنوب و تا آناتولی در غرب کشیده شده بود و این موضوع، نظر این شهاب بزدی را، در مورد ترکانی که در گندمان بوده‌اند (۲۳). مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین، واژه‌های باقیمانده از مهاجرت ترکان اولیه، که در روستای قشقای نشین هونجان برجای مانده، احتمالاً می‌تواند مزید مهاجرت ترکان اولیه، از مناطق آسیای صغیر و قفقاز به طرف جنوب و فارس باشد مانند نام خانوادگی «فرمان» در روستای هونجان، که واژه‌ی «فرمان» (۲۴) آن، منسوب به «ولایت فرمان» در جنوب آناتولی است.

فرمان، نام گروهی از ترکان غرب دور ترکیه می‌باشد که نزدیک دیاربکر و دریاچه وان، در ترکیه می‌زیسته‌اند؛ جایی که محل زیست ترکان آق قویونلو بوده است (۱۵۰۳ ق. ۱۴۰۳ م.). سرانجام با اشغال قونیه به دست عثمانیه، به حکومت امیران فرمان، پایان داده شد. همچنین، واژه‌ی «قراچه‌ای» که نام طایفه‌ای از قشقای است و در روستای گمه از توابع سمیرم سکونت دارند و در زمان شاه اسماعیل، جزو جماعت همراه او بودند (۲۵) و واژه «قره قویونلو قاشی» (نام محلی در گذشته‌ی توکل) و واژه‌ی «سلطان شلیل» (۲۶) نام مرزعمای از توابع روستای هونجان، که تمام این اسامی و واژه‌ها، نشانگر مهاجرت و ورود ترکان قشقای، از ترکیه و غرب ایران به جنوب است. در پایان، به مقایسه واژه‌های ترکی قشقای، آذری و عثمانی، که مشابهت نزدیک به هم دارند، می‌پردازیم.

شوشگاه علوم انسانی و مطابقت جدول شماره ۱

مقایسه واژه‌های ترکی قشقای روستای هونجان، با ترکی عثمانی و آذری

ردیف	ترکی قشقای «هونجان»	برابر فارسی	ترکی عثمانی (ترکیه) (۲۷)	ترکی آذری (۲۸)
۱	ایلدریم	برق	یلدیریم	الدیریم
۲	ای سیق	روستای نور	iesik	ایشیق
۳	سیجاق (ق)	گرم	Suzuk	ایسی
۴	بیجاق	کارد	Bacak	بیجاق
۵	بیش میش	پخته	Pamis	پیشمیش
۶	سکسن	هشتاد	Seksen	هشتاد
۷	تویوق	فورک، میج	Topuk	تویوق
۸	توریاق	خاک	Toprak	توریاق
۹	بغاز	گل	Bogaz	بوغاز
۱۰	یاغی یور	می‌بارد	Yagiyor	یاغیر
۱۱	باشلی یور	شروع می‌کند	Başıyor	باشیر



ترکی	ترکی عثمانی (ترکیه)	زبان فارسی	ترکی قشقایی «هونجان»	ردیف
گونی	Guney	جنوب	گونی	۱۲
قوزی	Kuzey	نه سرده شمالی	قوزی	۱۳
سغر	Sagir	گاو	سی غر	۱۴
اق	Beyaz	سفید	بیاض	۱۵
شاقالی	Sifali	هلو	شقالی	۱۶
اتک	Etik	دامن	اتک	۱۷
یوغورت	Yogurt	ماست	یوغورت	۱۸
بوشارد	Bos	خالی کن، خالی	بشار دشت	۱۹
ایاق	Ayak	پا	ایاق	۲۰
آغاج	Agac	درخت	آغاج	۲۱
گوبک	Gobek	ناف	گوبک	۲۲
سوپور	Supurge	جاروکن، جار	سوپور	۲۳
اوزوم	Uzum	انگور	اوزوم	۲۴
ساج	Sac	گیسو، موی سر	ساج	۲۵
اون	Un	آرد	اون	۲۶
وطن	Ulk	مملکت، وطن	اولکه	۲۷
یومورتا	Yamurta	تخم مرغ	نومورته	۲۸
دوداق	Dudak	لب	دوداخ (ق)	۲۹
موتفاک	Mutfak	آشپزخانه	مضخ	۳۰
کوپک	Kopuk	سگ	کوبک	۳۱
بال	Bal	عسل	بال	۳۲
کایا	Kotur	سنگ بزرگ	کرتور	۳۳
یاغوش	-	چغند	یاغوش، یاغو	۳۴
اوغری	Ogri	دزد	اوغری	۳۵
یاز	Yaz	بهار	یاز	۳۶
تووک	Tavuk	مرغ	توق	۳۷
بولوت	Bulut	ابر	بولوت	۳۸
یاغور	Yagmur	باران	یاغوس	۳۹
چورک	Ekrek	نان	چُرک	۴۰
قصاب	Kasap	قصاب	قصاب	۴۱
قرانلیک	Karanlık	تاریکی	قرنگی	۴۲
آچی	Acı	تلخ	آچی	۴۳
سوغان	Sogan	پیاز	سوغان	۴۴
دوگی	Pifinc	برنج	دوگی	۴۵
قیساق	Kaymak	خامه	قیساق	۴۶
دوز	Tiz	نمک	دوز	۴۷
اوغریز	Agryor	درد می کند	اوغریز	۴۸
ساق	Sag	راست	ساق	۴۹
سول	Sol	چپ	چپ	۵۰
تب	Usutme	تب، سرماخوردگی	ایسیدمه	۵۱
اورتا	Orta	وسط	اورتا	۵۲
دری	DeriCil	پوست	دری چلد	۵۳
اوکوز	Okuz	گاو بر	اوکوز	۵۴
ایک	Inek	گاو ماده	ایک	۵۵
کویون	Koyun	میتس	کویون	۵۶



ترکی قشقای «هونجان»	برابر فارسی	ترکی عثمانی (ترکیه)	ترکی آذری
کچی	بز	کچی	کچی
دوه	شتر	Deve	دوه
گوی	آسمان	Gök	گوی
داغ	کوه	Dag	داغ
داتش	سنگ	Taş	داتش
قش	زمستان	Kış	قش
چارشنبه	چهارشنبه	Çarşamba	چارشنبه
بیگ	بزرگ	Büyük	بی
کورچوک	کوچک	Küçük	بالاچه
گرچک دن	حقیقتاً	Gerçekten	حقیقتاً
کیمسه	هیچکس	Kimse	هیچکس
ئیل	سال	Yıl	ئیل
گون باتان	غروب	Gün Batan	گون باتان
بوتون	تمام	Bütün	بوتون
چاغور	صداکن	Çağır	چاغور
چنه	کب	Çanta	کیف
چالیور	زنگ می زند	Çalıyor	چالیور

بی نوشتها:

۱- سروس پرهام، دستاویزهای عشایری و روستایی فارس، ج ۸، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹، ص ۶۸

۲- میرزا محمد ظاهر نصر آبادی، تذکره نصر آبادی، بمبئی و حیدرآباد، سال ۱۳۱۷، چاپ ارمغان، ص ۴۵ و ۳۶. در تذکره نصر آبادی، آمده است: ملا محمد شریف، از فریه و روستایان من افعال مصفا و از اقربا و شاگردان ملا محمدالحق است. پدرش استاد کلمی ساگرش بود. در حق حضرت شریف به میرموید، عرب و میبد، امینش و مالکده بود. میرموید به شوخی، نعل آب پورا کند. ملا محمد شریف، در این باب شعر می گوید: بعد از آنکه میرموید، کلاه زبونی برای ملا محمد شریف فرستاد، این قطعه را گفت:

کنهی، تحفه فرستاده بمی حضرت میر کانیجان تحفه ندیده، فلک مینایی
 هر که دید آن به سرم، گفت مبارک باشد باره خبک بیو و خلیج و قشقای

۳- حاج باباخان، محمد رحیم خان، سلطان محمدخان آخندانی در روستای هونجان، ۶۰ کیلومتری شهرضا

۴- کلدانی شاه قشقای، در مزرعه ماشک هونجان، جوی آبی احداث کرد که به نام محوی نوشته شهرت و قدمت چهارصد ساله دارد و هنوز، مورد بهره برداری کشاورزان مزرعه ماشک است.

۵- اصیل کرمان، در خاطراته آخندانی ضبط است. این فرمان، تاکنون دوبار منتشر شده است.

۶- طلبه ددی، از طوایف اصیل و قدیمی قشقای و باخوانین هم مواصفت دارد. جد اعلاهی کیشیان دنگهای، محمد حسن کیشا می باشد. فرزند محمد حسن کیشا، زان خان، و فرزند او، علی بابا کیشا و فرزندش، جمال خان، و دختر علی بابا کیشا، همسر مرحوم حمزه خان کنگولی فرزند حاج عبدالله پورتر خدیجه بی بی، همسر مرحوم صولت الدوله قشقای (سردار عشایر) او مادر مهندس عبدالله کنگولی است. یلان آنها در دست سرور و قشلاق آنها بوملی آبادم است. مظهر نهرمانی پیوردی، وقایع عشایری فارس، ۱۳۷۳، ص ۴۴.

۷- در دوره صعوبه، سکه طلار اشرفی و سرکه نقره را بجای می ناییدند.

۸- احتمالاً اسم «عاجی» آمده باشد، گرفته از نام آخرین رئیس آن قوم ملوهابه سال ۱۹۰۵-۱۹۹۹م. است. کروئوزی جهان اسلام، ترجمه و حواشی از دایره مصفاپنار، ۱۳۵۰، ص ۱۹۹.

۹- استاد شماره ۸، ۴۰۴ و ۴۰۵ به سازمان اسناد ملی، نسخه مصفاپنار اهدا شده است.

۱۰- چهار دانگه فارس، شامل: خنگشت، دشت اوجان، خسرو شیرین، کوشک (ز و مرکز آن) اسپاس است.

۱۱- اصل استان در خانواده آخندانی دنگداری می شود.

۱۳. همان منبع.

۱۴. اصل سند، به سازمان اسناد ملی، شعبه اسفهان اعاده شده است.

۱۵. سازمان اسناد ملی ایران (اسفهان).

۱۶. طایفه ددکی، از طوایف اصل و قدیمی قشقایی و باخوانین موصلت دارد. جد اعلای کینایان ددکه، محمد حسن کینا می باشد. فرزند محمد حسن کینا زاده خان، فرزند او، علی بابا کینا و جمال خان، و دختر علی بابا کینا، همسر مرحوم حمزه خان کشکولی، فرزند حاج عبدالله، برادر خدیجه بی بی، همسر مرحوم سردار عشایر و ملا مهدیس عبدالله کشکولی است. بلاق آنها در دشت سپهر و قشلاق آنها ابوعلی آبادم است. منطقه قهرمانی ایوردی، و قلع عشایری فارس، ۱۳۷۳، ص ۳۶۶.

۱۷. مهدی فرخو، پایان نامه دوره لیسانس، جغرافیای منطقه وردشت، دانشگاه اسفهان، ۱۳۶۹، ص ۶۵.

۱۸. سعید مردانی کرمانی، پژوهشی در تاریخ و تمدن و فرهنگ چهار محال و بختیاری، انتشارات شهر کرمان، ۱۳۷۵، ص ۳۶۱.

۱۹. این حمله عربی، از دیدگاه دستور زبان عرب، نامرست می باشد و بهتر بوده به صورت کل شیء هالک (همه چیز نابود می شود) می آورد و یا آیه شریفه «کل من علیها فان» را از سوره مبارکه الرحمن، به جای آن می نوشت.

۲۰. لطف الله احتشامی، تحقیقات میدانی، فرستان مزرعه ماشک هونجان، ۶۰ کیلومتری شهر خد مشالیه، جوی آبی احداث کرده به نام جوی «نوری» که شهرت و قدمت چهارصد ساله دارد هونجون، مورد بهره برداری کشاورزان در مزرعه ماشک است.

۲۱. فصلنامه عشایر دختر افشار، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۷۰، ص ۳۸.

۲۲. معطر قهرمانی ایوردی، تاریخ و قلع عشایری فارس، چاپ اول ۱۳۷۳، تهران، ص ۲۷.

Chavang, Ban Qashqai, Newsals of Iran: The History, 1977, 1: 31.

۲۳. ابن سنیاب، اثر سال ۸۱۸ق. در فارس بوده و در جامع التواریخ، تصریح دارد به اینکه «گدمان» بلاق جمعی از ترکان بوده است شاه عباس اول (۸۱۸ق) راه حریمت اندک هوای بیاز و سیر وادی و کوهسار، از دارالسلطنه اسفهان به بلاق گدمان می فرمود. (ج ۱، ص ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱) دستبهای عشایری و روستایی فارس، ص ۱۶۸.

۲۴. آر.کن. آلدوله فرهاد خان فرامانی، از نتایج بهم پیگ در افشار، که در حکومت شاه عباس، معمر به لقب خانی گردید، روضه الصفویه، ص ۱۷۰، ۱۷۱.

۲۵. زنده التواریخ، محمد حسن مستوفی، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۸.

۲۶. سلطان خلیل، یکی از لاریان آبی فورونو، ۱۸۸۱م، کروئولوژی جهان اسلام، داده جمعهایان، ۱۳۵۰، ص ۱۶۹ و نام مزرعای از روستای هونجان.

۲۷. آوازه های عشایی، بانظر دکتر حسین مر جعفری، استاد تاریخ دانشگاه اسفهان تنظیم شده است.

۲۸. آوازه های آذری، بانظر دکتر سیروس شفق، استاد جغرافیای دانشگاه اسفهان تنظیم شده است.

۲۹. تریب اسناد به صورت فرمایشات، اسناد ملکی، سنگو شته هاد بانظر دکتر سید حسن حسینی ایوبی، استاد جغرافیای دانشگاه اسفهان، تنظیم شده است.

منابع و ماخذ

۱. سروس بهرام، دستبهای عشایری و روستایی فارس و ح ۸ انتشارات امر کبیر، چاپ اول، تهران ۱۳۶۹، ص ۶۸.

۲. میرزا محمد ظاهر، نصر آبادی، تذکره نصر آبادی، تصحیح وحید دستگردی، سال ۱۳۱۷، چاپ زمان، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

۳. حسین محمدزاده، مقاله بزرگان است میرزا امادون قشقایی در بروجین، روزنامه هفتشهری، پنجشنبه ۲۵ تیر ماه ۱۳۷۷، سال هشتم، شماره ۱۵۹۱، ص ۱۱.

۴. معطر قهرمانی ایوردی، و قلع عشایری فارس، چاپ اول ۱۳۷۳، انتشارات علمی تهران، ص ۳۶۶.

۵. خسر و احتشامی، از مضرب نامحراب، سال ۱۳۷۰، ص ۶۸.

۶. ایرج افشار، بعد از اجداد فرهنگی و هنری ۱- شماره ۲، خرداد و تیر ماه ۱۳۷۹، ص ۵۱.

۷. داده اسفهانیا، کروئولوژی جهان اسلام، ترجمه و حواشی، سال ۱۳۵۰، اسفهان، ص ۱۶۹.

۸. مهدی فرخو، پایان نامه دوره لیسانس، جغرافیای منطقه وردشت، دانشگاه اسفهان، ۱۳۶۹، ص ۳۵.

۹. سعید مردانی کرمانی، پژوهشی در تاریخ و تمدن و فرهنگ چهار محال و بختیاری، انتشارات شهر کرمان، ۱۳۷۵، ص ۳۶۱.

۱۰. میرزا بیگ حسن بن حسینی جانی، روضه الصفویه از تاریخ دوره صفویه، به کوشش علامه صا مجد طباطبائی، تهران، ۱۳۷۸، صص ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹.

۱۱. زنده التواریخ، محمد حسن مستوفی، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۸.

۱۲. سازمان اسناد ملی ایران (اسفهان).

۱۳. اسناد تازه تاریخ و عشایر و احتشامی ضبط است.



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

۱۰۱۹



۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰



سیدار... در صبح... کرم...

قدوة الامم... کرم...

ایضا... کرم...

استشاد... کرم...

این... کرم...

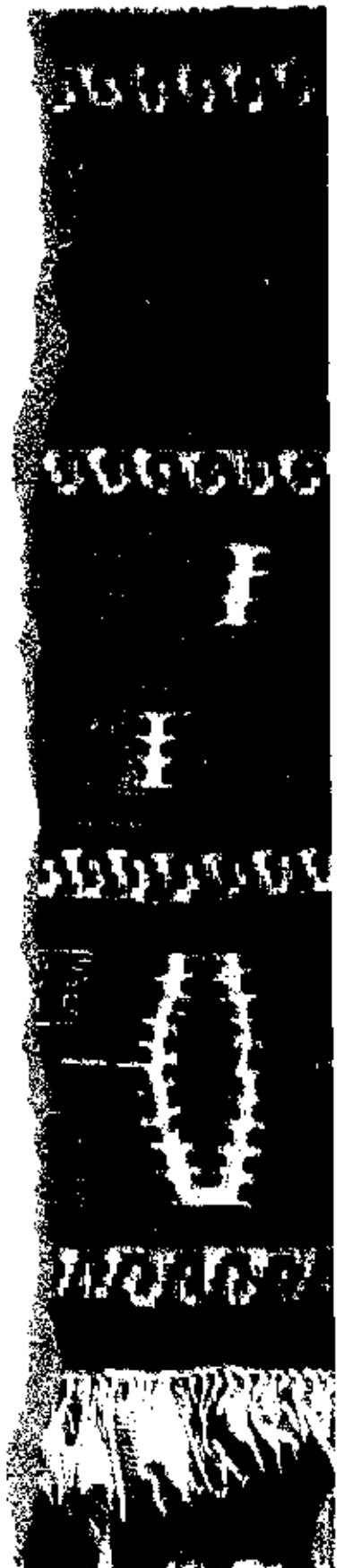
زیر... کرم...

کما... کرم...

صفت... کرم...

فی... کرم...





در بیان فرموده است که انتقال با سرعت امکان پذیر است

بگویند که اینها چیزها نیستند و اینها چیزها نیستند

بگویند که اینها چیزها نیستند و اینها چیزها نیستند

بگویند که اینها چیزها نیستند و اینها چیزها نیستند

بگویند که اینها چیزها نیستند و اینها چیزها نیستند

بگویند که اینها چیزها نیستند و اینها چیزها نیستند

